نجات زن جوان از حادثه تصادف در بولوار نماز

سهیل دیبا| سرعت زیاد خودروها و ناتوانی راننده‌ها در کنترل خودرو، دو عامل اصلی بسیاری از تصادفات در مشهد هستند. در تازه‌ترین حادثه رخ داده در بولوار نماز، زنی جوان به‌دلایلی نامعلوم با خودروی پراید به ستون برق برخورد کرد و خودش در خودرو محبوس شد. باگزارش این حادثه به آتش‌نشانی مشهد، تیم نجات و حریق ایستگاه‌های ۲۳ و ۴۷ به محل حادثه اعزام شدند. بررسی‌ها نشان داد که در این سانحه شدت زیاد برخورد پراید با ستون موجب شده بود تا راننده که زنی سی‌وپنج ساله بود نتواند از خودرو بیرون بیاید. با تلاش و سرعت عمل نجاتگران آتش‌نشانی، این زن از خودرو خارج و تحویل عوامل اورژانس حاضر در محل شد. آتش‌نشانان پس از انجام اقدامات پیشگیرانه و ایمن‌سازی، محل را تحویل عوامل انتظامی دادند و کارشناسان پلیس راهور تحقیقات خود را به‌منظور مشخص‌شدن علت حادثه آغاز کردند.

آتش‌سوزی یک کارخانه مهار شد

شهرآرا| شامگاه سه‌شنبه با اعلام وقوع آتش‌سوزی در یک کارخانه واقع در شهرک صنعتی توس، با توجه به حساسیت موضوع بلافاصله ۲۰ آتش‌نشان از شش ایستگاه عملیاتی آتش‌نشانی مشهد به محل اعزام شدند. با حضور آتش‌نشانان و برخلاف تصورشان، آتش در قسمت اداری این کارخانه رخ داده بود و این حادثه ارتباطی با دیگر بخش‌های کارخانه همچون خط تولید یا انبارها نداشت. آتش‌نشانان بلافاصله اقدامات خود را به‌منظور خاموشی آتش و پیشگیری از سرایت آن به دیگر نقاط این کارخانه آغاز کردند. خوشبختانه آتش‌نشانان با سرعت عمل بالا این حریق را مهار و از گسترش آن پیشگیری کردند. این حریق مصدوم نداشت و علت آن در دست بررسی است.

سرقت ۲ میلیارد تومانی طلا

خبرگزاری پلیس| در پی گزارش سرقت به عنف منزل در شهر محمودآباد، بلافاصله مأموران پلیس آگاهی در محل حاضر شدند. با توجه به سرنخ‌های موجود و در بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که این سرقت طلا و جواهرات توسط دو متهم انجام شده و اقدامات لازم در خصوص دستگیری آن‌ها انجام شد. مأموران با استفاده از تحقیقات علمی و فنی در کمترین زمان ممکن موفق به شناسایی سارقان شدند و با هماهنگی مقام قضایی در دو عملیات مجزا یک متهم را در شهرستان محمودآباد و یک متهم دیگر را در شهرستان هم‌جوار استان دستگیر و با کشف اموال مسروقه به پلیس آگاهی محمودآباد انتقال داده شدند. ارزش ریالی طلاجات مسروقه ۲ میلیارد تومان بود و از متهمان یک قبضه اسلحه شکاری، گوشی تلفن همراه، دوربین فیلم‌برداری و دستگاه دی‌وی‌آر و دوربین مداربسته منزل مال‌باخته کشف و ضبط شد.

طوفان، زابل را درنوردید

ایلنا| وزش باد شدید با حداکثر سرعت ۱۰۱ کیلومتر بر ساعت، زابل را درنوردید و گردوخاک ناشی از آن موجب کاهش دید افقی به ۵۰۰ متر شد. در زهک نیز سرعت باد به ۶۱ کیلومتر بر ساعت رسید و دید افقی در این شهرستان تا حدود ۵۰۰ متر کاهش یافت.

احتکار به پوشک رسید

خبرگزاری پلیس| با دریافت اطلاعاتی مبنی بر احتکار کالا در شهرستان ساری، تحقیقات پلیس امنیت اقتصادی آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد که یک محتکر، کالاهای احتکاری را در یک ساختمان نیمه‌ساز نگهداری می‌کند. مأموران پس از هماهنگی در بازرسی از این انبار، ۴ هزار عدد پوشک احتکارشده به ارزش ۳۵ میلیارد ریال را کشف کردند و متهم با تشکیل پرونده تحویل مرجع قضایی شد. همچنین مشخص شد که این فرد عمده فروش اقلام بهداشتی است و از عرضه و فروش انواع پوشک بچه در بازار امتناع می‌کرده است.

۴ کشته در سانحه رانندگی جاده‌های اصفهان

ایرنا| واژگونی یک دستگاه تریلی و اتوبوس مسافربری در محور اردکان به نایین در اصفهان، موجب جان باختن ۴ نفر و مصدومیت ۲۰ نفر شد. در این حادثه که بامداد سه شنبه رخ داد، یک دستگاه تریلی و اتوبوس مسافربری در مسیر یزد به‌کرج در کیلومتر ۳۷ محور اردکان به نایین واژگون شدند. در این سانحه ۴ نفر شامل ۲ مرد و ۲ زن به دلیل شدت جراحات وارده در دم جان باختند و ۲۰ نفر مصدوم شدند که به بیمارستان حشمتیه نایین و بیمارستان اردکان منتقل شدند.

کشف ۳۰ تن زباله از خانه‌ای در بجنورد

ایرنا| با شکایت شهروندان درباره استشمام بوی بد در کوچه اوقاف در شهرستان بجنورد، بررسی‌ها نشان داد که فردی ساکن این خیابان به طور شبانه برای جمع‌آوری زباله از سطح شهر و دپوی آن در منزل خود اقدام می‌کند که در بازدیدهای میدانی این سازمان، شناسایی شد. از آنجاکه براساس قانون وزارت کشور، فعالیت انبارهای ضایعاتی در حریم و محدوده شهر غیرقانونی است و این انبارها باید از شهر خارج شوند، شهرداری بجنورد پس از انجام اقدامات قضایی برای تخلیه این منزل اقدام کرد و ۳۰ تن زباله از این خانه تخلیه شد.

شهرآرا
۵شنبه
۲۱ اسفند ۱۴۰۴
۲۲ رمضان ۱۴۴۷
شماره ۴۷۱۹
SHAHRARANEWS.IR

پلیس با کمک به یک دختر شهرستانی که به مشهد فرار کرده بود، او را تحویل خانواده‌اش داد

سارا به خانه برگشت

سعید جلائیان

گزارش

با یک کوله پشتی و کفش کتانی وارد بوستان کوهسنگی شد و شروع به پرسه‌زنی در اطراف استخر بزرگ بوستان کرد. ظاهرش به نوجوانان سیزده تا پانزده ساله می‌خورد، باوجوداین او به سمت پسرانی می‌رفت که شاید حتی دو تا سه برابرش سن داشتند. دو یا سه دور که در اطراف استخر زد، انگار خسته شد و روی یک نیمکت نشست و مشغول شماره گرفتن با تلفن همراهش شد. چند متر آن طرف‌تر از دختر نوجوان، پیرمردی روی نیمکتی نشسته بود و این دختر را زیرنظر داشت. او عصایش را بلند کرد و از جا بلند شد. مرد سال خورده به سوی نیمکتی رفت که دختر نوجوان نشسته بود. پیرمرد به این دختر نوجوان که رسید با این سؤال که دخترم ساعت چند است؟ سر صحبت را با او باز کرد. دختر، پاسخ پیرمرد را داد اما پیرمرد همان جا کنار دختر نوجوان نشست و سر صحبت را به بهانه آب و هوا باز کرد. پیرمرد گفت که یک فرهنگی بازنشسته است و بعد نام و سن دختر را پرسید. دختر که ظاهرا به پیرمرد اعتماد کرده بود، گفت که نامش سارا است و سیزده سال دارد. سارا تعریف کرد که از خانه اش در شهرستانی کوچک فرار کرده و به مشهد آمده است. او که لحن کلامش نشان دهنده ترسش بود گفت که چند ماه قبل وقتی به مشهد آمده با پسری نوجوان در اینجا آشنا شده است. پسری به نام وحید که قول داده بود در مشهد به او کمک کند، اما حالا تلفن همراهش را خاموش کرده و از او خبری نیست.

پیرمرد کلاهش را از سرش برداشت و از دختر خواست تا دیر نشده، به شهر و خانه اش بازگردد. سارا با شنیدن این جمله بلند شد و به سمت پسری نوجوان رفت. پسری که تنها لحظه ای نگاهش با نگاه سارا گره خورده بود. این دختر نوجوان با پسر نوجوان رفت و در سمت دیگر بوستان کوهسنگی با این پسر نوجوان روی یک نیمکت نشست. پیرمرد که از دور شاهد گفت وگوی آن دو بود، بلافاصله با پلیس تماس گرفت و گزارش داد که دختری نوجوان در آستانه تباه کردن زندگی اش است. پس از تماس پیرمرد، سرهنگ حسن آخوندی، رئیس کلانتری میدان جهاد، گروهی از مأموران این مرکز پلیس را با دستورات تخصصی و زیرنظر سرهنگ زهره پارسا، رئیس دایره مددکاری و مشاوره کلانتری، به بوستان کوهسنگی اعزام کرد.

دقایقی بعد با ورود مأموران، پیرمرد به استقبال آن ها رفت. پیرمرد خلاصه ای از ماجرای این دختر نوجوان را برای مأموران بازگو کرد و گفت که پسر نوجوان رفته، اما دختر نوجوان تنها روی نیمکت نشسته است. پیرمرد، مأموران را تا نزدیکی نیمکت هدایت کرد. دختر نوجوان با مشاهده مأموران قصد فرار داشت اما مسیرش توسط پلیس بسته شد. سارا چندین بار تلاش کرد بگریزد اما هربار ناکام ماند، مأموران او را به سوی خودروی گشت پلیس هدایت کرده و سپس به کلانتری میدان جهاد منتقل کردند. پس از انتقال این دختر نوجوان به مقر پلیس، مأموران در بازرسی از کوله پشتی این دختر، مدارک شناسایی، مقادیری طلا و پول را پیدا کردند. همچنین در گوشی همراهش شماره های تلفن خانواده سارا پیدا شد.

از خانواده‌ام فرار کردم

هرچند سارا ابتدا خودش را با هویتی جعلی و شانزده ساله معرفی کرده بود اما کسی چیزی به رویش نیاورد تا اینکه دختر نوجوان در مقابل سرهنگ زهره پارسا، رئیس دایره مددکاری و مشاوره کلانتری، نشست و درباره موضوعات مختلف با هم مشغول صحبت شدند. دقایقی بعد، سرهنگ پارسا با این جمله که اینجا محلی برای کمک به کودکان، دختران نوجوان و زنان است، سر اصل مطلب رفت. رئیس دایره مددکاری و مشاوره کلانتری از دختر نوجوان پرسید: «چرا به مشهد آمدی؟» دختر نوجوان که انگار ترسش ریخته بود، در پاسخ گفت: «من تنها دختر یک خانواده پرجمعیت هستم. پدرم کارگر و مادرم خانه دار است. هیچ‌کدام از آن ها و حتی برادرانم تحصیل کرده نیستند، ولی سخت‌گیری زیادی نسبت به من دارند. بیشتر از همه مادرم رویم فشار می آورد. او می خواهد من دکتر شوم و مدام از من می خواهد درس بخوانم. انجام بسیاری از کارهای ساده، حتی دیدن تلویزیون و بازی با دوستانم برایم ممنوع است. حتی تهدید شده‌ام که اگر نمره هایم پایین بیاید، اجازه خروج از خانه را ندارم. از این فشارها خسته شدم و تصمیم گرفتم از خانه بیرون بزنم. چند ماه قبل که با خانواده‌ام به مشهد آمدیم، با پسری به نام وحید آشنا شدم. او هفده ساله بود. وقتی با هم حرف زدیم به من گفت اگر به مشهد بیایی، به تو کمک می‌کنم و می توانی در خانه ما زندگی کنی.

آرامش والدین خشمگین!

سارا ادامه داد: فرار من تنها به خاطر حرف های وحید نبود. من دلایل خودم را هم داشتم. چند روز قبل پدرم من را مقابل همه کتک زد. در خانه همه به من زور می‌گویند. هیچ آرامشی در خانه ندارم. والدینم به شدت خشک هستند، ما نه تفریح می رویم و نه مسافرت. من به جز مشهد و شهر کوچک خودمان تا حالا هیچ شهر دیگری را ندیده‌ام. همه این ها سبب شد که این تصمیم را بگیرم. طلاهای مادرم و مقداری پول را از خانه برداشتم و راهی مشهد شدم تا زندگی خودم را بسازم. صبح وقتی در مسیر بودم با وحید تماس گرفتم. به او گفتم که در راه هستم. او اول فکر کرد که می خواهم تا نصف روز در مشهد بمانم برای همین خوشحال شد، اما وقتی به او گفتم دیگر نمی خواهم به خانه برگردم، لحنش عوض شد. از پشت تلفن متوجه شدم که ترسیده است. به من گفت که تصمیمت اشتباه است، برگرد. اما من گفتم پل های پشت سرم را خراب کرده‌ام و دیگر برنمی‌گردم. داشتیم حرف می زدیم که تماس قطع شد. دوباره با وحید تماس گرفتم اما جواب نداد. اول فکر کردم چون من در جاده هستم گوشی ام آنتن نمی دهد اما وقتی به مشهد رسیدم، فهمیدم که وحید گوشی اش را خاموش کرده است.

پس از ثبت اظهارات سارا، رئیس دایره مددکاری با مادر این دختر سیزده ساله تماس گرفت. در کمال تعجب معلوم شد سارا درست گفته و مادر این دختر متوجه غیبت دخترش نشده است. او با شنیدن خبر فرار دخترش شوکه شد. اوگوشی را به شوهرش داد و پدر سارا در این مکالمه تلفنی شروع به تهدید دخترش کرد. تهدیداتی که با واکنش قاطع و محکم رئیس دایره مشاوره و مددکاری کلانتری همراه شد.

پس از توجیه والدین سارا، آن ها برای بازگرداندن دختر خود به خانه، راهی مشهد شدند. سه ساعت طول کشید تا آن ها به مقر پلیس در مشهد برسند. به محض حضور در کلانتری با لحن خشمگینی از مأموران سراغ دخترشان را گرفتند با وجود این اجازه ملاقات به آن ها تا زمانی که در جلسات مشاوره شرکت نکردند، داده نشد.

در خلال جلسات مشاوره، کلانتری طلاها و پول های سارا را به والدینش بازگرداند. پس از پایان جلسه مشاوره، مأموران با هماهنگی مقام قضایی از والدین سارا تعهد گرفتند که در رفتار خود با دخترشان تغییر ایجاد کنند. با این تعهد دیدار والدین با سارا انجام شد و این دختر در آغوش خانواده‌اش که از همیشه آرام‌تر بودند، قرار گرفت.

عکس تزئینی است

عکس خبر

خسارت سنگین به موتورسازی در حادثه آتش‌سوزی

دیبا| صبح دیروز، دود ناگهانی از یک تعمیرگاه موتورسیکلت برخاست و بعد شعله‌های آتش به چشم اهالی آمد. شهروندان بلافاصله موضوع را به آتش‌نشانی مشهد اعلام کردند و بلافاصله آتش‌نشانان ایستگاه ۹ به تپه‌سلام اعزام شدند. با حضور آتش‌نشانان مشخص شد که آتش‌سوزی در یک تعمیرگاه موتورسازی رخ داده است. آتش‌نشانان پس از گشودن قفل‌های در اقدام به خاموش‌کردن آتش کردند. آتش‌نشانان در کمترین زمان ممکن آتش را خاموش کردند اما دوربودن مسیر و اطلاع دیرهنگام به آتش‌نشانی، دو عاملی بود که منجر به خسارت‌های گسترده به این تعمیرگاه شد. البته خوشبختانه در این حادثه به کسی آسیب نرسید. در این حادثه تعدادی موتورسیکلت که برای تعمیر به این تعمیرگاه سپرده شده بود، کاملا سوخت. علت وقوع این حادثه هنوز مشخص نشده است.
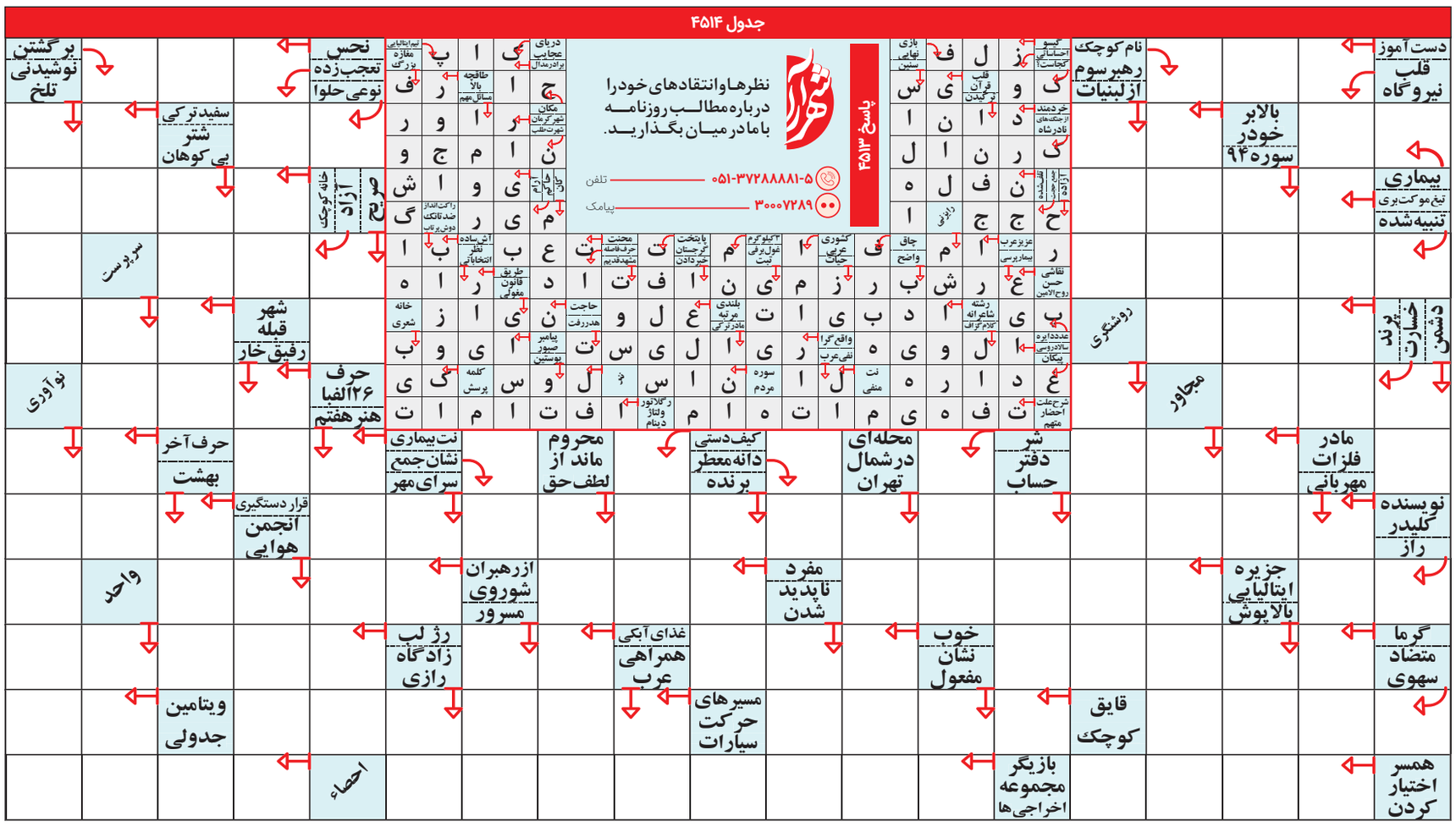
جدول ۴۵۱۴